

تاج کردار لیرا

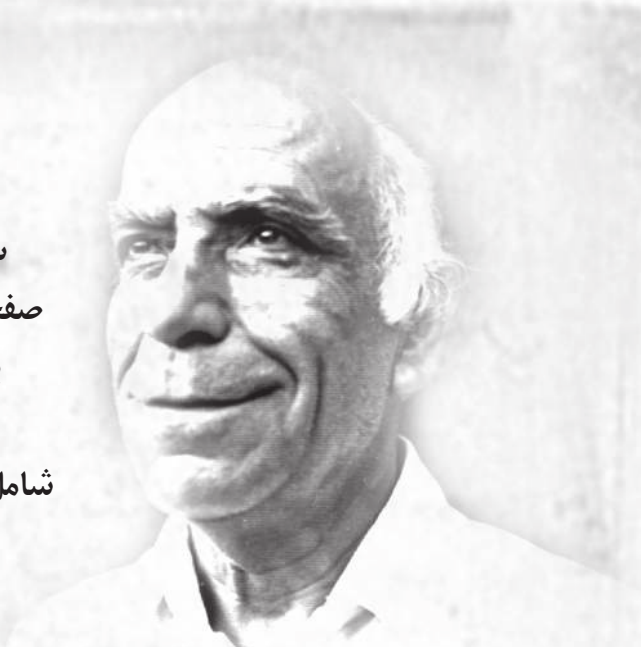
دکتر ساسان سپینتا

استاد دانشگاه اصفهان - نوازنده - پژوهشگر موسیقی

از واقعیت تشخیص داد ولی در مورد آواز و موسیقی چنین نیست، بلکه فقط از زمانی می‌توان نسبت به واقعیت آن روایتها اظهار نظر نمود که اثری صوتی از خواننده یا نوازنده در دست باشد. در تاریخ آواز ایران اولین آثار صوتی به هنرمندان دوره ناصرالدین شاه مربوط می‌شود. و بعد از این دوره است که با اختراع ادیسن آثار صوتی قابل ضبط گشت. بدیهی است در این مسیر تاریخی هر مقدار از زمان حال به گذشته می‌رویم تعداد آثار صوتی کمتر و معدودتر و دسترسی به آن مشکلتر و بازیابی آن مستلزم تخصص ویژه می‌باشد. آنگونه آثار نه فقط در ایران بلکه در خارج نیز جزو آثار نفیس تاریخ موسیقی محسوب می‌شود. تاج از خوانندگانی است که خوشبختانه از سه دوره

صدای دلنشین و نیکو یکی از نعمت‌های خداداد است. خواننده‌ای که واجد آن است می‌تواند با حسن سلیقه و دارا بودن استعداد موسیقی و طی آموزش مناسب آن را پرورش دهد. از طرفی روشهای استفاده صحیح از صدا و محافظت آن، از تمهیداتی است که یک استاد با تجربه و شایسته به هنرجویان علاقمند می‌آموزد. در طول تاریخ موسیقی ایران روایات مختلفی از هنر آواز خوانندگان در دست است، اما همانگونه که روایتهای اغراق آمیز در تذکرها برای بسیاری از شاعران متوسط نوشته شده، برخی توضیحات مجامله‌آمیز نیز برای نوازندگان و خوانندگان نه چندان ماهر به رشته تحریر در آمده است. تفاوت شعر و موسیقی در آن است که بر اثر مطالعه اشعار شاعر می‌توان روایتهای غلوآمیز را





تاج از خوانندگانی است که خوشبختانه از سه دوره تاریخ ضبط صفحه، یعنی دوره ضبط صفحات بدون برق و دوره بعد از آن که صفحات با دستگاههای الکترونیک ضبط شده و نیز در دوره ضبط نوار مغناطیسی آثاری از آواز او که شامل دوره جوانی، دوره میانسالی و کهن سالی او می شود، در دست است

۱۳۳۹ آن ماهنامه چاپ شده بود و در آن برای اولین بار نحوه تحریرهای حبیب شاطر حاجی را شرح داده بودم، مورد توجه تاج قرار گرفته بود. در سالهای بعد به مناسبت بستگی سببی که با پزشک ادیب، مرحوم دکتر رضا بقراطیان پیدا کرده بودم غالباً محفل‌های دوستانه‌ای با تاج داشتیم و از هنر و خاطرات و نکته‌های تخصصی موسیقی که بیان می‌داشت بهره مند می‌شدم. دکتر بقراطیان از دوستان صمیمی و پزشک خانواده تاج بود. به قول حافظ

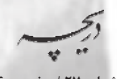
عشق من با خط مشکین تو امروزی نیست
دیرگاهیست کز این جام هلالی مستم

تاج در ۱۲۸۲ در اصفهان در یک خانواده روحانی تولد یافت. او از نوجوانی و جوانی نزد حاج عندلیب، نایب اسدالله، سیدرحیم، میرزا حسین ساعت ساز و حبیب شاطر حاجی آواز و موسیقی آموخت.

تاج همواره از استادانش با حق شناسی و احترام یاد می‌کرد. تاج در دوران جوانی اولین کنسرت خود را در تهران برگزار کرد. او در آن کنسرت ابتدا غزلی از فرخی یزدی را خواند و سپس تصنیف مشهور «مرغ سحر» را به گوش حاضران رسانید. تاج در مناسب خوانی، تلفیق شعر و موسیقی، اجرای تحریرهای مناسب در محل‌های صحیح، شناخت وزن و خلاقیت در ساختن قطعات ضربی آواز، احاطه به گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایرانی استادی کم نظیر بود. از دوره‌ای که آثار صوتی از خوانندگان آواز در دست هست، فقط عده معدودی از نظر موارد زیباشناسی موسیقی و آواز دارای چنین ویژگی‌هایی بودند.

تاریخ ضبط صفحه، یعنی دوره ضبط صفحات بدون برق و دوره بعد از آن که صفحات با دستگاههای الکترونیک (با برق) ضبط شده و نیز در دوره ضبط نوار مغناطیسی آثاری از آواز او که شامل دوره جوانی، دوره میانسالی و کهن سالی او می‌شود، در دست است. تاج از خوانندگانی است که توانست از صدای خود تا سنین سالمندی مراقبت کند. بنابراین در محدوده زمانی بیش از ۵۰ سال آثار صوتی از آواز تاج در دست است. در مورد آثار تاج و شیوه خوانندگی او در حدی که حجم مقاله اجازه بدهد در پایان مقاله موارد تخصصی را یاد آور خواهیم شد.

از آنجا که من از دیرگهان با تاج، هنرش و خاطراتش آشنایی داشتم، بی‌مناسبت نیست چند جمله‌ای درباره چگونگی این آشنایی و انگیزه نگارش این مقاله یاد آور شوم. من از دوران نوجوانی از چند جهت با تاج و آثارش آشنایی داشتم. پدرم، شادروان عبدالحسین سینتا از دوستان صمیمی تاج بود و نظر به علاقه‌ای که از نوجوانی به موسیقی داشتم غالباً در محفل‌های دوستانه او با تاج شرکت داشتم. و از هنر تاج بهره مند بودم. علاوه بر آن بر اثر آموختن موسیقی نزد استادانی چون علینقی وزیری و روح الله خالقی و به‌ویژه فرا گرفتن ویلن نزد ابوالحسن صبا و محمود تاجبخش، گاه با آواز تاج هم‌نوازی داشتم. از طرفی در حدود پنجاه و چهار سال پیش شروع به نگارش مقاله‌های پژوهشی خود در ماهنامه تخصصی «موزیک ایران» نمودم. در آن ماهنامه چهره‌هایی چون: ابوالحسن صبا، روح الله خالقی، دکتر هرمز فرهنگ، دکتر مهدی برکشلی، موسی معروفی، علی تجویدی و تعدادی دیگر مقاله می‌نوشتند. تاج که از خوانندگان آن ماهنامه بود با مقالات من نیز آشنایی داشت، بویژه مقاله من زیر عنوان: «تحریرهای متنوع در آواز ایران» که در شماره اردیبهشت





سید عبدالرحیم اصفهانی



حبیب شاطر حاجی



میرزا حسین ساعت ساز

تاج به من
یاد آور می شد که
سید رحیم هنگام
آموزش آواز به
او توصیه می کرد
که در موقع
خواندن توازن و
تناسب صدا را
در قسمت های
مختلف آواز
حفظ کند، سعی
کند تحریرهای
مناسب را در
آخر مصراع های
شعر و بویژه در
آخر بیت اجرا
کند

شاخص نیز از نظر اجرا در آن شهر بوجود آمدند. در شیوه اصفهان تحریرهای زیاد و ناسنجیده رایج نبود و استواری صدا را از بین می برد. آواز و گفتار همیشه در حالت بازدم تولید می شود؛ به همین دلیل کنترل نفس در بازدم لازم است. از طرفی خواننده باید سر جای صدای خودش بخواند و صدا باید بدون فشار به اندامهای آوایی خارج شود، در آن صورت است که صوت حاصله مطبوع و دلچسب خواهد بود. به این دلیل است که خوانندگانی چون تاج از خواندن در محدوده صوتی بالاتر از صدای طبیعی خود همواره پرهیز داشتند، اگرچه تاج نزد خوانندگانی چون سید رحیم و حبیب آواز آموخته بود، ولی سرانجام سبک خاص خود را باز یافت و آواز را به شیوه خاص خود می خواند.

تاج با ادبیات فارسی و اشعار شعرای خوش قریحه بخوبی آشنا بود و از این رو همواره شعر مناسب با اقتضای آهنگ و موقعیت را با حسن سلیقه انتخاب می کرد. خوانندگان شیوه اصفهان چون سید رحیم، حبیب شاطر حاجی و ادیب خوانساری بر اثر همنشینی با شعرای خوش قریحه همواره گلچینی از اشعار زیبا و مناسب را حفظ بودند. آنها بر اثر آشنایی با مفاهیم شعر، اشعار را با احساس تحویل می دادند. از طرفی واژه های شعر را با وضوح تلفظ می خواندند. نکته دیگری که تاج به من یاد آور شد، این بود که در اجرای آواز، هجاهای کلمه جدا از هم فاصله پیدا نکند که در آن صورت معنی آن دچار ابهام می گردد. به طور مثال بین کلمه های «چراغان» یا «بیابان» وقفه حاصل نشود که در آن صورت به صورت «چرا-غان» یا «بیابان» به گوش می رسد.

تاج هم در آواز بدون وزن متریک و هم در تصنیفها و ضربی ها که طبیعتاً دارای وزن متریک است، دارای مهارت بود.

استاد تاج، مرحوم سید رحیم از خوانندگان برجسته و شاخص اواخر عهد قاجار بود. صدای سید رحیم وسیع و توانا و تحریرهای او مشخص و شمرده و متنوع بود. در دوره تحصیل در دانشگاه تهران من دانشجوی کلاس «صناعات ادبی» استاد جلال همایی بودم. ایشان وزن شعر، فنون بلاغت و بدیع تدریس می کردند. ایشان معتقد بودند که سید رحیم آخرین یادگار موسیقی دانان قدیم بود. عموم خوانندگان و نوازندگان هنر او را ستایش می کردند و در مناسب خوانی بی نظیر بود. یکی دیگر از استادان تاج همانگونه که یادآور شدم حبیب شاطر حاجی بود. حبیب از خوانندگان مشهور بود و با عارف قزوینی مانوس بود و عارف آواز او را تحسین می کرد و او را مرجع باصلاحیتی برای روایت تصنیف های خود می دانست. استاد علینقی وزیری در حدود سال ۱۲۸۲ شمسی آواز حبیب را در اصفهان شنیده بود و از حسن سلیقه و آواز حبیب یاد می کرد. او بارها گرمی و گیرایی و قدرت صدای حبیب را به من یاد آور شده بود. از آنجا که استاد با نظر مشکل پسند خود کمتر بدون شایستگی کسی را تحسین می کرد، ارزش هنری حبیب مورد توجه ایشان واقع شده بود. شادروان محمد طاهرزاده (طاهرپور) آواز حبیب را شاهکار هنر آواز می دانست.

تاج به من یاد آور می شد که سید رحیم هنگام آموزش آواز به او توصیه می کرد که در موقع خواندن توازن و تناسب صدا را در قسمت های مختلف آواز حفظ کند، سعی کند تحریرهای مناسب را در آخر مصراع های شعر و بویژه در آخر بیت اجرا کند. شیوه هنری تاج همان شیوه آواز اصفهان بود. اصفهان حدود دو قرن پایتخت صفویه و مرکز هنرمندان برجسته بود و به همین دلیل، موسیقی دانان



ابوالحسن وزیری



درویش خان



ابوالحسن صبا

استاد جلال همایی گوید:

سرود سعدی و آواز تاج و ساز صبا
به تاج و تخت کیانی مده که مختصر است

تاج از صدای استادانی چون عبد الحسین صدر (صدر المحدثین) واعظ و خطیب مشهور، و حُسن آواز او بارها به تحسین یاد کرده بود و این نمونه‌ها را به‌عنوان مثالی برای صدای رسا، شفاف و مطلوب ذکر می‌کرد. خود او توصیه می‌کرد که در آواز هیچگاه تا سر حد خستگی نخوانید و از نواختن ساز نوازندگان استاد، حُسن استفاده کنید. او می‌گفت آواز رسا خواندن با جیغ زدن و فشار آوردن به گلو و فریاد بر آوردن بسیار تفاوت دارد. سازی که با آوازتان همراهی می‌کند، باید از نظر کوک با صدای طبیعی شما هماهنگ باشد. در اینجا شایان ذکر است که جیغ زدن و بالاتر از صدای خود با زور خواندن در بین بسیاری از خوانندگان دوره قاجار مرسوم بود. استاد وزیری گاهی در بیانات خود از اینگونه خوانندگان انتقاد می‌کرد. ایشان می‌گفتند: «آنها شعری نیم جویده و تکه پاره شده و تودماغی تحویل می‌دهند که حتی خودشان هم معنی آن شعر را درک نمی‌کنند، آنها فکر می‌کردند مهارت در آواز، هرچه بیشتر زیر خواندن است؛ این ست که صدای مردانه کمتر بگوش می‌رسد.» در بین صفحاتی که از نوازندگی نی نایب ضبط شده است، خواننده‌ای به نام حسین تعزیه خوان با صدای باریک و زیر زنانه و تحریرهای مسلسل کنترل نشده خوانده است! ایکاش نی نایب در آن صفحات به صورت (سلو) تنها ضبط شده بود. در صورتی که در بین استوانه‌های مومی حافظ الاصوات که نگارنده حدود پنجاه و اندی سال پیش، پس از حدود شصت سال رکود و سکوت، با پشتوانه اطلاعات فنی خود و تمهیدات لازم برای اولین بار بازیابی صوتی نمودم، آثاری از نی نایب همراه با آواز سید رحیم یافتم که خواننده به‌طور سنجیده با صدای طبیعی خود با مهارت و متانت آواز خوانده است که اثری

او توصیه می‌کرد
که در آواز
هیچگاه تا سر حد
خستگی نخوانید
و از نواختن ساز
نوازندگان استاد،
حُسن استفاده
کنید. او می‌گفت
آواز رسا خواندن
با جیغ زدن و
فشار آوردن
به گلو و فریاد
بر آوردن بسیار
تفاوت دارد

مغتنم از دو استاد بر جسته موسیقی بشمار می‌رود. تاج و ادیب خوانساری که برآمده از آموزش سید رحیم و شیوه اصفهان بودند و هر دو دارای صدای مردانه، گرم و مطلوب بودند. در مورد آثار تاج و شرح ویژگیهای آواز او مختصری در این مقاله خواهم نوشت و در حدی که حجم مقاله اجازه دهد، نکاتی را یاد آور خواهم شد ولی برای توضیحات مشروح موارد را در کتاب «چشم انداز موسیقی ایران» چاپ ۱۳۸۲ و «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» چاپ ۱۳۷۷ (چاپ ماهور تهران) توضیح داده‌ام. تحقیقات صوت شناختی و آزمایشگاهی که انجام داده‌ام و تصویر طیف نگاشته‌های صوتی تاج (و برخی دیگر) در کتاب اولی آمده است.

امروز در بین خواننده‌های آواز از آن صداهای استوار و مطلوب کمتر به گوش می‌رسد، آنچه در این چند دهه به گوش می‌رسد، به جز تعداد معدودی، بقیه بیشتر به همان سیاق تقلیدی، با صدای باریک و نازک و ناتوان و ناستوار با تحریرهای نامناسب که گهگاه گویی لرزهای سرماخوردگی در آن هست به اصطلاح آواز می‌خوانند! آنها از بس تحسین نابجا شنیده‌اند، امر بر خودشان هم مشتبه شده است.

موسیقی خود یک رشته تخصصی است و اظهار نظر در مورد اجراهای آن کار هرکس نیست که بر سبیل تفنن قلم به دست بگیرد و به مجامله و تحسین‌های تبلیغاتی بپردازد.

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

خوانندگان شاخص از رسایی صدا بر خوردار بودند. گاه در شب‌های بهار، هنگامی که نور نقره‌گون ماه بر آبهای زاینده‌رود پرتو می‌افکند، صدای رسای دلنشینی از بیشه‌زارها و باغهای حاشیه زاینده‌رود به گوش می‌رسید، آن صدای تاج بود که شعر مناسبی انتخاب کرده و می‌خواند مانند این شعر سعدی:



حسن کسایی، درگاهی، همایون پور
ادیب خوانساری، مرتضی محجوبی



**صدای او پر دامنه و رسا بود و از
استواری لازم برخوردار بود. تحریر
مشهور او در گوشه بیداد در صفحه
همایون که خود تاج به من می گفت
این تحریر، تحریر «فلکی» است
طبق برآورد نگارنده بر محور ۲۳۹
هرتز شروع شده و تا ۵۲۰ هرتز
تداوم یافته است**

باد بوی سمن آورد و گل و سنبل و بید
در دکان به چه رونق بگشاید عطار
تا نه تاریک شود سایه انبوه درخت
زیر هر برگ چراغی بنهد از گلنار
آدمی زاده اگر در طرب آید چه عجب
سرو در باغ به رقص آمده و بید و چنار

تاج تصنیف‌ها و آوازهای چندی را در صفحات گرامافون خوانده است، تصنیف‌های خوانده شده توسط او بیشتر در صفحات شرکت «هیز ماستر زویتس» در حدود ۱۳۱۱-۱۳۱۲ بیشتر با گروه همناواری مرتضی محجوبی خوانده شده است.

بسیاری از اجراهای آن زمان از نظر آواز و آهنگ و نوازندگی و سازبندی ارکستر بر آنچه امروز بدون مطالعه و عجولانه اجرا می‌شود، ترجیح دارد. گروههایی که برای همناواری، امروز به‌طور خلق الساعه دور هم گرد می‌آیند و بدون وقت کافی برای تمرین، خیلی زود از هم متفرق می‌شوند. حدود صدای تاج بر حسب سنجش‌های آزمایشگاهی نگارنده حتی از محدوده «تنور» هم فراتر است و بیشتر بر محور ۳۹۰ هرتز به راحتی تحریرهای مناسب و متنوع آواز خود را اجرا کرده است، صدای او پر دامنه و رسا بود و از استواری لازم برخوردار بود. تحریر مشهور او در گوشه بیداد در صفحه همایون که خود تاج به من می گفت این تحریر، تحریر «فلکی» است طبق برآورد نگارنده بر محور ۲۳۹ هرتز شروع شده و تا ۵۲۰ هرتز تداوم یافته است. آن اجرا با پیانو مرتضی محجوبی، ویلن حسین باحقی و تار ارسلان درگاهی بوده است. اولین صفحات او حدود ۱۳۰۵ ه. ش. ضبط شده است. گزیده تصنیف‌هایی که خوانده است چون: شکایت معشوق، رنگهای طبیعت، مهر گل (بیشتر با آهنگهای عبدالحسین براننده) و گروه همناواری مرتضی محجوبی بوده است. تعدادی از صفحات دوره بعد خوانندگی او (قبل از جنگ جهانی دوم) در حلب (سوریه) ضبط شده است: جفای گلچین و آواز عشق و صفحه دو دلدا که ملکه برومند و تاج با هم خوانده‌اند.

تاج از خوانندگانی بود که پس از افتتاح رادیو با آن همکاری کرد و در برخی کنسرت‌های انجمن موسیقی ملی با ارکستر به رهبری روح‌الله خالقی آواز خواند و عضو آن انجمن بود. از بدو تأسیس رادیو اصفهان حدود سال ۱۳۲۸ نیز با آن همکاری داشت و آثار ماندگاری همراه با ساز استادان، جلیل شهنواز (تار) حسن کسایی (نی) عباس سروری (تار) سعادت الله نورده (ویلن) و چند تن دیگر روی نوار از او ضبط شده است. در حدود سالهای پیرامون ۱۳۲۸ برنامه‌هایی از آواز او همراه با تار دلنشین و استادانه اکبر خان نوروزی از رادیو اصفهان شنیده می‌شد که به‌صورت زنده پخش می‌گشت. من از دوران نوجوانی از کنسرت‌های تاج و آواز او حضوراً بهره‌مند بودم. تاج با حالتی آرام و خوش منظره آواز می‌خواند و هیچگونه ژست‌های تصنعی و به خود پیچیدنی که اکثر خوانندگان امروز از خود بروز می‌دهند نه در تاج و نه در هیچیک از خوانندگان مشهور دیگر مانند: ادیب، قمر، روح‌انگیز، سیدمحمد طاهرزاده و از این قبیل وجود نداشت. تاج در تمام طول عمر خود به خوبی از صدای خود مراقبت کرد. او هیچگونه اعتیادی نداشت، هیچگاه غیبت کسی را نکرد و با عزت نفس و گشاده‌دستی آنچه را می‌دانست، به شاگردان خود تعلیم می‌داد. او در ۱۳ آذر ۱۳۶۰ در اصفهان گذشت. روانش شاد و آثارش ماندگار باد.

استاد احمد عبادی: هیچکس را ندیدم که از لحاظ دیکلماسیون و ادای کلمات شعر به پای او برسد و از خودش شنیدم که پدرش به او وصیت کرده بود: جلال اول شعر را تحویل بده بعد تحریر بده. بنابراین هرگز شعر را فدای آواز نمی‌کرد. هر چه خاطره از او دارم شیرین است و قیافه نجیب و دوست داشتنی او همیشه در جلو چشمم مجسم است.